



طلیعة سخن:

زینب علیها السلام دختر علی و زهرا علیهما السلام در روز پنجم جمادی الاولی سال پنجم یا ششم هجرت در مدینه منوره دیده به جهان گشود، در پنج سالگی مادر خود را از دست داد و از همان دوران طفولیت با مصیبت آشنا گردید. در دوران عمر با برکت خویش، مشکلات و رنج‌های زیادی را متحمل شد، از شهادت پدر و مادر گرفته تا شهادت برادران و فرزندان، و حوادث تلخی چون اسارت و... را تحمل کرد. این سختی‌ها از او فردی صبور و بردبار ساخته بود^(۱).

او را ام کلثوم کبری، و صدیقه

صغری می‌نامیدند. از القاب آن حضرت، محدّثه، عالمه و فهیمه بود. او زنی عابده، زاهده، عارفه، خطیبه و عقیقه بود. نسب نبوی، تربیت علوی، و لطف خداوندی از او فردی با خصوصیات و صفات برجسته ساخته بود، طوری که او را «عقیله بنی هاشم» می‌گفتند. با پسر عموی خود «عبدالله بن جعفر» ازدواج کرد و ثمره این ازدواج فرزندی بود که دو تن از آن‌ها (محمد و عون) در کربلا، در رکاب ابا عبد الله الحسین علیه السلام شربت شهادت

۱- شیخ ذبیح الله محلاتی، ریاحین الشریعة، تهران، دار الکتب الاسلامیة، ج ۳، ص ۴۶.

نوشیدند^(۱).

«سپس علم اسماء [= علم اسرار آفرینش و نامگذاری موجودات] را همگی به آدم آموخت. بعد آن‌ها را به فرشتگان عرضه داشت و فرمود: اگر راست می‌گویید، اسامی این‌ها را به من خبر دهید. عرض کردند: تو منزهی. ما چیزی جز آن چه به ما تعلیم داده‌ای نمی‌دانیم؛ تو دانا و حکیمی.»

و برترین علم‌ها، علمی است که مستقیماً از ذات الهی به شخصی افزوده شود، یعنی دارای علم «لَدُنَّی» باشد. خداوند متعال در مورد حضرت خضر علیه السلام می‌فرماید: «وَعَلَّمْنَاهُ مِنْ لَدُنَّا عِلْمًا»^(۴): «علم فراوانی از نزد خود به او آموخته بودیم.»

زینب علیها السلام به شهادت امام سجاد علیه السلام دارای چنین علمی است، آن جاکه به عمه‌اش خطاب کرد و فرمود: «أَنْتَ عَلِيمَةٌ غَيْرُ مُعَلَّمَةٍ وَفَهْمَةٌ غَيْرُ مَفْهَمَةٍ»^(۵)؛ تو دانشمند معلم ندیده و فهمیده‌ای

آن بانوی بزرگوار سرانجام در پانزدهم رجب سال ۶۲ هجرت، با کوله باری از اندوه و غم و محنت و رنج دار فانی را وداع گفت. در این مقال برآنیم که گوشه‌هایی از مناقب و فضائل آن حضرت را بررسی و بیان کنیم.

۱- زینت پدر

معمولاً پدر و مادر نام فرزندان را انتخاب می‌کنند، ولی در جریان ولادت حضرت زینب علیها السلام والدین او این کار را به پیامبر اسلام جد بزرگوار آن بانو، واگذار نمودند. پیامبر صلی الله علیه و آله که در سفر بود، بعد از بازگشت از سفر، به محض شنیدن خبر تولد، سراسیمه به خانه علی علیه السلام رفت، نوزاد را در بغل گرفت و بوسید، آن گاه نام زینب (= زین + اب) را که به معنای «زینت پدر» است برای این دختر انتخاب نمود^(۲).

۲- علم الهی

مهمترین امتیاز انسان نسبت به سایر موجودات - حتی ملائکه - دانش و بینش اوست. «وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَى الْمَلَائِكَةِ فَقَالَ أَنْبِئُونِي بِأَسْمَاءِ هَؤُلَاءِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ. قَالُوا سُبْحَانَكَ لَا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا إِنَّكَ أَنْتَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ»^(۳)؛

۱- همان، ج ۳، ص ۲۱۰.

۲- همان، ج ۳، ص ۳۹.

۳- بقره/۳۱-۳۲.

۴- کهف/۶۵.

۵- شیخ عباس قمی، مستهای الآمال، (تهران، علمیه اسلامیة، چاپ قدیم، ۱۳۳۱ هـ ش) ج ۱، ص ۲۹۸.

فهم نیاموخته هستی.»

۳- عبادت و بندگی

زینب علیها السلام به خوبی از قرآن آموخته بود، که هدف از آفرینش و خلقت انسان رسیدن به قلّه کمال بندگی است. «مَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ»^(۱)؛ «من جن و انس را نیافریدم جز برای این که عبادت کنند.» او عبادت‌ها و نماز شب‌های پدر و مادر را از نزدیک دیده بود. او در کربلا شاهد بود که برادرش امام حسین علیه السلام در شب عاشورا به عباس فرمود: «الزَّجَجُ إِلَيْهِمْ وَانْتَمَهُنَّ لَهُمْ هَذِهِ الْمَشِيئَةُ إِلَىٰ عَدِي لَقَدْ نُصَلِّيَ لِرَبَّنَا اللَّيْلَةَ وَنَدَعُوهُ وَنَسْتَغْفِرُهُ فَهُوَ يَعْلَمُ أَنِّي أَحْبَبْتُ الصَّلَاةَ لَهُ وَتِلَاوَةَ كِتَابِهِ وَكَثْرَةَ الدُّعَاءِ وَالْإِسْتِغْفَارِ»^(۲)؛ به سوی آنان باز گرد و این شب را تا فردا مهلت بگیر شاید بتوانیم امشب را به نماز و دعا و استغفار در پیشگاه خدایمان مشغول شویم. خدا خود می‌داند که من نماز، قرائت قرآن، زیاد دعا کردن و استغفار را دوست دارم.» در این جملات صحبت از ادای تکلیف نیست، بلکه سخن از عشق به عبادت و نماز است.

شب خیز که عاشقان به شب راز کنند
گرد در بام دوست پرواز کنند
هر جا که دری بود به شب در بندند
الّا در دوست را که شب باز کنند
حضرت زینب علیها السلام نیز از عاشقان عبادت و شب زنده داران عاشق بود، و هیچ مصیبتی او را از عبادت باز نداشت. امام سجاد علیه السلام فرمود: «إِنَّ عَمَّتِي زَيْنَبَ كَانَتْ تُؤَدِّي صَلَوَاتِهَا، مِنْ قِيَامِ الْفَرَايِضِ وَالتَّوَافُلِ عِنْدَ مَسِيرِنَا مِنَ الْكُوفَةِ إِلَى الشَّامِ وَفِي بَعْضِ مَنَازِلِ كَانَتْ تُصَلِّي مِنْ جُلُوسٍ لِشِدَّةِ مَسِيرِ كُوفَةَ تَأْشَامِ هَمَّ نَمَازِهَا وَاجِبٌ وَمُسْتَحَبٌّ رَأَقَامَهُ مِى نَمُودٌ وَدَر بَعْضِى مَنَازِلِ بِه خَاطِرِ شِدَّتِ گَر سَنَگِى وَضَعْفِ، نَشِستَه اَدَاى تَكْلِيفِ مِى كَرْد.»

آن حضرت حتی در حساس‌ترین شب زندگی؛ شب هجران از حسین علیه السلام و برادران، تهجد و شب زنده داریش را ترک نکرد. از فاطمه بنت الحسین علیها السلام نقل شده است که فرمود: «وَأَمَّا عَمَّتِي زَيْنَبُ فَأَنَّهَا لَمْ تَزَلْ قَائِمَةً فِي تِلْكَ اللَّيْلَةِ أَيْ

۱- ذاریات/ ۵۶.

۲- محمد بن جریر طبری، تاریخ طبری، ج ۶، ص ۲۳۸.

۳- ریاحین الشریعه (پیشین)، ج ۳، ص ۶۲.

عَاشِرَةَ مِنَ الْمُحَرَّمِ فِي مِخْرَابِهَا تَسْتَعِيثُ إِلَيَّ
وَرَبِّهَا وَمَا هَدَأَتْ لَنَا عَيْنٌ وَلَا سَكَنَتْ لَنَا زُمْرَةٌ^(۱)؛
عمه‌ام زینب در تمام شب عاشورا در
محراب خویش ایستاده و به
پروردگارش استغاثه می‌کرد. در آن
شب هیچ یک از ما نخوابید و صدای
نالۀ ما قطع نشد.

امام حسین علیه السلام که خود معصوم و
واسطه فیض الهی است هنگام وداع به
خواهر عابده‌اش می‌فرماید: «يَا أُخْتَاةَ لَا
تَنسِيَنِي فِي نَافِلَةِ اللَّيْلِ^(۲)؛ خواهر جان! مرا
در نماز شب فراموش مکن!» این نشان
از آن دارد که این خواهر، به قلۀ رفیع
بندگی و پرستش راه یافته و به حکمت
و هدف آفرینش دست یازیده است.

۴- عفت و پاکدامنی

عفت و پاکدامنی، برازنده‌ترین
زینت زنان، و گران قیمت‌ترین گوهر
برای آنان است. زینب علیها السلام درس عفت
را به خوبی در مکتب پدر آموخت، آن
جا که فرمود: «مَا الْمُجَاهِدُ الشَّهِيدُ فِي سَبِيلِ
اللَّهِ بِأَعْظَمِ أَجْرٍ أَمِنْ قَدَرِ قَمَفٍ يَكَادُ الْعَفِيفُ أَنْ
يَكُونَ مَلَكًا مِنَ الْمَلَائِكَةِ^(۳)؛ مجاهد شهید
در راه خدا، اجرش بیشتر از کسی
نیست که قدرت دارد اما عفت
می‌ورزد، نزدیک است که انسان عقیف

فرشته‌ای از فرشتگان باشد.»
زینب کبری عفت خویش را حتی
در سخت‌ترین شرایط به نمایش
گذاشت. او در دوران اسارت و در
حرکت از کربلا تا شام سخت بر عفت
خویش پای می‌فشرد. مورخین
نوشته‌اند: «وَمِی تَسْتُرُ وَجْهَهَا بِكَفِّهَا، لِأَنَّ
قِنَاعَهَا قَدْ أَخَذَ مِنْهَا^(۴)؛ او صورت خود را
با دستش می‌پوشاند چون روسریش از
او گرفته شده بود.»

شاعر عرب به همین قضیه اشاره
کرده و می‌گوید:
وَرَكَّتْ زَيْنَبٌ مِنْ أَمِّهَا
كُلُّ الَّذِي جَرَى عَلَيْهَا وَصَارَ
زَادَتْ إِبْتِنَةً عَلَى أُمَّهَا

تهدی من دارها إلى شرِّ دارٍ
تستُرُ بِالثَّيْنِ وَجُوهَهَا فَإِنَّ

أَعْوَزَهَا السُّرْتُ تَمُدُّ الْبَيْسَارَ
«زینب تمامی آن چه بر مادر
گذشت را به ارث برد، منتهی دختر
سهم اضافه‌ای برداشت که از خانه‌اش
به بدترین خانه حرکت کرد (به اسارت

۱- همان، ج ۳، ص ۶۲.

۲- همان، ص ۶۱-۶۲.

۳- نهج البلاغه، فیض الاسلام، حکمت ۴۶۶.

۴- جزائری، الخصائص الزینبیه، ص ۳۲۵.

رفت).

زینب علیها السلام که حضور هفت معصوم^(۳) را درک کرده، در تمامی ابعاد ولایت مداری (معرفت امام، تسلیم بی چون و چرا بودن، معرفی و شناساندن ولایت، فداکاری در راه آن و...) سر آمد است. او با چشمان خود مشاهده کرده بود که چگونه مادرش خود را سپر بلای امام خویش قرار داد و خطاب به ولی خود گفت: «رُوحِي لِرُوحِكَ الْفِدَاءُ وَنَفْسِي لِنَفْسِكَ الْوِقَاءُ»^(۴)؛ ای ابوالحسن! روحم فدای روح تو و جانم سپر بلای جان تو باد. و سرانجام جان خویش را در راه حمایت از علی علیه السلام فدا نمود و شهیده راه ولایت گردید. زینب علیها السلام به خوبی درس ولایت مداری را از مادر فرا گرفت و آن را به زیبایی در کربلا به عرصه ظهور رساند. از یک سو در جهت معرفی و شناساندن ولایت، از طریق نفی اتهامات و یاد آوری حقوق فراموش

صورت را [در اسارت] با دست راست می پوشاند و اگر پوشش او را نیازمند می کرد، از دست چپ هم بهره می برد.»
و آن بانوی بزرگوار بود که برای پاسداری از مرزهای حیا و عفاف بر سر یزید فریاد می آورد که «أَمِينَ الْعَدْلِ يَا بَنِي الطُّغْيَاءِ تَخَذِيرُكَ خَرَامَتِكَ وَإِمَانَتِكَ وَسَوْفَ تَكُنَّ بَنَاتِ رَسُولِ اللَّهِ تَبَايَا؟ قَدْ هَتَكْتَ سُتُورَهُنَّ وَأَبْدَانَهُنَّ وَجُوهَهُنَّ»^(۱)؛ ای پسر آزاد شده های [جذمان پیامبر اسلام] آیا این از عدالت است که زنان و کنیزکان خویش را پشت پرده نشانی، و دختران رسول خدا صلی الله علیه و آله را به صورت اسیر به این سو و آن سو بکشانی؟ نقاب آنان را دریدی و صورت های آنان را آشکار ساختی.»

۵- ولایت مداری

قرآن بدون هیچ قید و شرطی در کنار اطاعت مطلق از خداوند، دستور به اطاعت از پیامبر صلی الله علیه و آله و صاحبان امر، یعنی، ائمه اطهار علیهم السلام می دهد. «وَاطِيعُوا اللَّهَ وَاطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ»^(۲)؛ «از خداوند و رسول و اولو الامر اطاعت کنید.»

۱- محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، (بیروت، دار احیاء التراث العربی)، ج ۴۵، ص ۱۳۴.

۲- نساء/۵۹.

۳- پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، علی علیه السلام، فاطمه علیها السلام، امام حسن علیه السلام، امام حسین علیه السلام، امام سجاد علیه السلام و امام باقر علیه السلام.

۴- الکوکب الدری، ج ۱، ص ۱۹۶.

شده اهل بیت تلاش کرد. از جمله در خطبه شهر کوفه فرمود: «وَأَنْتِ تَرَحُّصُونَ قَتْلَ سَلِيلِ خَاتِمِ النَّبُوَّةِ وَمَقْدُونَ الرِّسَالَةَ وَسَيِّدِ شُبَّانِ أَهْلِ الْجَنَّةِ»^(۱)؛ لکه ننگ کشتن فرزند آخرین پیامبر و سرچشمه رسالت و آقای جوانان بهشت را چگونه خواهید شست؟»

و همچنین در مجلس ابن زیاد^(۲)، شهر شام، و مجلس یزید، ولایت و امامت را به خوبی معرفی نمود.

از سوی دیگر سر تا پا تسلیم امامت بود؛ چه در دوران امام حسین علیه السلام و چه در دوران امام سجاد علیه السلام حتی در لحظه‌ای که خیمه گاه را آتش زدند، یعنی در آغاز امامت امام سجاد علیه السلام نزد آن حضرت آمد و عرض کرد: ای یادگار گذشتگان... خیمه‌ها را آتش زدند ما چه کنیم؟ فرمود: «عَلَيْكُمْ بِالْفَرَارِ؛ فرار کنید.»^(۳)

از این مهمتر در چند مورد، زینب علیها السلام از جان امام سجاد علیه السلام دفاع کرد و تا پای جان از او حمایت نمود.

۱- در روز عاشورا؛ هنگامی که امام حسین علیه السلام برای اتمام حجت، درخواست یاری نمود، فرزند بیمارش امام زین العابدین علیه السلام روانه میدان شد.

زینب با سرعت حرکت کرد تا او را از رفتن به میدان نبرد باز دارد، امام حسین علیه السلام به خواهرش فرمود: او را باز گردان، اگر او کشته شود نسل پیامبر در روی زمین قطع می‌گردد^(۴).

۲- بعد از عاشورا در لحظه هجوم دشمنان به خیمه‌ها شمر تصمیم گرفت امام سجاد علیه السلام را به شهادت برساند، ولی زینب علیها السلام فریاد زد: تا من زنده هستم نمی‌گذارم جان زین العابدین در خطر افتد. اگر می‌خواهید او را بکشید، اول مرا بکشید، دشمن با دیدن این وضع، از قتل امام علیه السلام صرف نظر کرد^(۵).

۳- زمانی که ابن زیاد فرمان قتل امام سجاد علیه السلام را صادر کرد، زینب علیها السلام آن حضرت را در آغوش کشید و با خشم فریاد زد: ای پسر زیاد! خون ریزی بس است. دست از کشتن خاندان ما بردار. و ادامه داد: «وَاللَّهِ لَا أَفَارِقُهُ فَإِنْ قَتَلْتَهُ فَأَقْتُلْنِي مَعَهُ؛ به خدا قسم

۱- بحار الانوار (پیشین)، ج ۴۵، ص ۱۱۰-۱۱۱.

۲- همان، ج ۴۵، ص ۱۳۳.

۳- همان، ج ۴۵، ص ۵۸، و معالی السطین، ج ۲، ص ۸۸.

۴- بحار الانوار، (پیشین)، ج ۴۵، ص ۴۶.

۵- همان، ج ۴۵، ص ۶۱.

آن حضرت حتی در حساس ترین شب زندگی؛ شب هجران از حسین علیه السلام و برادران، تهجد و شب زنده داریش را ترک نکرد.

هرگز او را رها نخواهم کرد. اگر می خواهی او را بکشی مرا نیز با او بکش.»

ابن زیاد به زینب نگریست و گفت: شگفتا از این پیوند خویشاوندی، که دوست دارد من او را با علی بن الحسین بکشم. او را واگذارید.

البته ابن زیاد کوچکتر از آن است که بفهمد این حمایت فقط به خاطر خویشاوندی نیست، بلکه به خاطر دفاع از ولایت و امامت است. اگر فقط مسأله فامیلی و خویشاوندی بود، باید زینب علیها السلام جان فرزندان خویش را حفظ و آن ها را به میدان جنگ اعزام نمی کرد.

آنکه قلبش از بسلا سرشار بود
دخت زهرا زینب غمخوار بود
او ولایت را به دوشش می کشید
چون امام عصر او بیمار بود
با طنین خطبه های حیدری
سخت او رسواگر کفار بود
۶- روحیه بخشی

در مسافرت ها و نیز در حوادث تلخ، آن چه بیش از هر چیز برای انسان لازم است، روحیه و دلگرمی است. اگر انسان برای انجام کارهای مهم و حساس روحیه نداشته باشد، آن کار با موفقیت انجام نشده و به نتیجه نخواهد رسید و چه بسا با شکست نیز مواجه شود. یکی از بارزترین اوصاف زینب علیها السلام روحیه بخشی اوست. او بعد از شهادت مادر، روحیه بخش پدر و برادران بود، در شهادت برادرش امام حسن علیه السلام نقش مهمی را برای تسلائی بازماندگان ایفا کرد. پس از شهادت امام حسین علیه السلام و در طول دوران اسارت، این صفت نیکوی زینب بیشتر ظهور کرد. او پیوسته یاور غمدیدگان و پناه اسیران بود، از گودی قتلگاه تا کوچه های تنگ و تاریک کوفه، از مجلس ابن زیاد تا ستمکده یزید، در

همه جا فرشته نجات اسرا بود.

نه تنها زینب از دین یابوری کرد

به همت کاروان را رهبری کرد

به دوران اسارت با یتیمان

نوازش‌ها به مهر مادری کرد

او حتی تسلی بخش دل امام

سجاد علیه السلام بود، آن جا که می‌گفت: «لَا

يَجْزِيَنَّكَ مَا تَرَى، فَوَاللَّهِ إِنَّ ذَلِكَ لَعَهْدٌ مِّنْ

رَسُولِ اللَّهِ إِلَىٰ جَدِّكَ وَأَبِيكَ وَعَمِّكَ^(۱)؛ ای

پسر برادر! آن چه می‌بینی (شهادت

پدر) تو را بی تاب نسازد. به خدا

سوگند! این عهد رسول خدا از جد و

پدر و عمویت می‌باشد.»

۷- صبر

یکی از بارزترین اوصاف

انسان‌های کامل، صبر و بردباری در

فراز و نشیب‌های روزگار و تلخی‌های

دوران است. قرآن کریم در آیات

متعددی به صابران بشارت داده^(۲) و

پاداش‌های فراوان آن‌ها را یادآوری

نموده است. زینب علیها السلام از این جهت در

اوج کمال قرار دارد. در زیارتنامه آن

حضرت می‌خوانیم: «لَقَدْ عَجِبْتَ مِنْ

صَبْرِكَ مَلَائِكَةُ السَّمَاوِ؛ ملائکه آسمان از

صبر تو به شگفت آمدند.» مخصوصاً

در ماجرای کربلا آن چنان صبر و رضا

و تسلیم از خود نشان داد، که صبر از

روی او خجل است.

خدا در مکتب صبر علمی پرداخت زینب را

برای کربلا با شیر زهرا ساخت زینب را

بسان لیلۃ القدری که مخفی ماند قدر او

کسی غیر از حسین بن علی نشناخت زینب را

* * *

سلام بر تو ای کسی که صبر شد حقیر تو

ندیده بعد فاطمه جهان زنی نظیر تو

در مجلس ابن زیاد؛ آن گاه که آن

ملعون با نیش زبانش نمک به زخم

زینب می‌پاشد و برای آزدن او

می‌گوید: «كَيْفَ رَأَيْتِ صُنْعَ اللَّهِ بِأَخِيكَ وَأَهْلِ

بَيْتِكَ^(۳)؛ کار خدا را با برادر و

خانواده‌ات چگونه یافتی؟» او در واقع

با تعریض می‌خواهد بگوید که دیدی

خدا چه بلایی به سرتان آورد؟

زینب علیها السلام در پاسخ درنگ نمی‌کند،

گویی از قبل برای این شماتت‌ها

اندیشه نموده و پاسخی آماده کرده

است. او با آرامشی که از صبر و رضای

قلبی او حکایت داشت فرمود: «مَا رَأَيْتِ

۱- همان، ج ۴۵، ص ۱۷۹.

۲- مثل بقره/ ۱۵۵ و ...

۳- بحار الانوار، (پیشین)، ج ۴۵، ص ۱۱۵-۱۱۶.

قرآن بدون هیچ قید و شرطی در کنار اطاعت مطلق از خداوند، دستور به اطاعت از پیامبر صلی الله علیه و آله و صاحبان امر، یعنی، ائمه اطهار علیهم السلام می دهد.

با این که خود گرسنه و تشنه بود، ایثار را به بند کشیده و آن را شرمنده ساخت. امام زین العابدین علیه السلام می فرماید: «أَنَّهَا كَانَتْ تَقْسِمُ مَا يَصِيبُهَا مِنَ الطَّعَامِ عَلَى الْإِطْفَالِ لِأَنَّ الْقَوْمَ كَانُوا يَذُقُونَ لِكُلِّ وَاحِدٍ مِنَّا رَغِيفًا مِنَ الْخُبْزِ فِي النَّيُومِ وَاللَّيْلَةِ»^(۴)؛ عمه ام زینب [در مدت اسارت]، غذایی را که به عنوان سهمیه و جیره می دادند، بین بچه ها تقسیم می کرد، چون آن ها در هر شبانه روز به هر یک از مایک قرص نان می دادند.»

او سختی ها و تازیانها را به جان

الْأَجْمِلًا^(۱)؛ جز زیبایی چیزی ندیدم.» ابن زیاد از پاسخ یک زن اسیر در شگفت می ماند، و از این همه صبر و استقامت و تسلیم او در مقابل مصیبت ها متعجب می شود و قدرت محاجه را از دست می دهد.

ای زینبی که محنت عالم کشیده ای غیر از بلا و درد به عالم چه دیده ای؟ یارب زنی و این همه استواری و علو چون زینب صبور مگر آفریده ای؟

۸- ایثار

یکی دیگر از صفات حسنه انسان های برتر، مقدم داشتن دیگران بر خود است. امام علی علیه السلام فرمود: «الْإِثَارُ أَعْلَى الْإِيمَانِ»^(۲)؛ ایثار، بالاترین درجه ایمان است.» و فرمود: «الْإِثَارُ أَعْلَى الْإِحْسَانِ»^(۳)؛ ایثار برترین احسان است.»

زینب مجلله در این صفت نیز گوی سبقت را از دیگران ربوده است. او برای حفظ جان دیگران، خطر را به جان می خورد و در تمام صحنه ها، دیگران را بر خود مقدم می دارد. او در ماجرای کربلا حتی از سهمیه آب خویش استفاده نمی کرد و آن را نیز به کودکان می داد. در بین راه کوفه و شام،

۱- همان، ص ۱۱۶.

۲- میزان الحکمة، ج ۱، ص ۴.

۳- همان.

۴- ریاحین الشریعة، (پیشین)، ج ۳، ص ۶۲.

خود می خرید و نمی گذاشت بر بازوی
کودکان اصابت کند.

برای حفظ جان کودکان در بر دشمن

به پیش تازانه بازوی خود را سپر کردم

۹- شجاعت و شهامت

از صفات بارز پروا پیشگان این
است که خدا در نظر آنان بزرگ و غیر
او در نظرشان کوچک، حقیر و فاقد اثر
می باشد. امام علی علیه السلام می فرماید: «عَظَمَ
الْخَالِقُ فِي أَنْفُسِهِمْ فَصَغُرَ مَا دُونَهُ فِي
أَعْيُنِهِمْ»^(۱)؛ خالق در جان آنان بزرگ
است، پس غیر او در چشمشان کوچک
می باشد.»

سر شجاعت اولیای الهی نیز در
همین است. زینب که خود چنین
دیدنی دارد، و در خانواده شجاعت
تریت شده است، از شجاعت حیدری
بهره مند است. او به «الْبُورَةُ الْهَاشِمِيَّةِ»^(۲)؛
شیر زن هاشمی لقب گرفته است و
چون مردان بر سر دشمن فریاد می زند،
تویبخشان می کند، تحقیرشان می کند،
و از کسی هراسی به دل ندارد. او از برق
شمشیر خون چکان آدمکشان و ا همه
ندارد، در آن روز فراموش نشدنی، در
میان آن همه شمشیر و آن همه کشته
فریاد می زند که آیا در میان شما یک

مسلمان نیست؟ در مجلس ابن زیاد،
بدون توجه به قدرت ظاهری او
گوشه ای می نشیند و بابی اعتنایی به
سؤالات او تحقیرش می کند، او را
«فاسق» و «فاجر» معرفی می کند و
می گوید: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَكْرَمَنَا بِسَيِّبِهِ
مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَطَهَّرَنَا مِنَ الرَّجْسِ تَطْهِيراً وَأَسْمَأَ
يَفْتَضِحُ الْفَاسِقُ وَيَكْذِبُ الْفَاجِرُ وَهُوَ غَيْرُنَا»^(۳)؛
سپاس خدای را که ما را با نبوت
حضرت محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ گرامی داشت، و از
پلیدی ها پاک نمود. همانا فقط فاسق
رسوا می شود، و بدکار دروغ می گوید،
و او غیر ما می باشد.»

و همچنین در مقابل یزید خیره
سر، و دهن کجی ها و بد زبانی های او،
شجاعت حیدری را به نمایش گذارده،
چنین می گوید: «لَتَيْنِ جَرَّتْ عَلَيَّ الدَّوَاهِي
مُخَاطِبَتِكَ إِنِّي لَأَسْتَضِعُّ قَدْرَكَ وَأَسْتَعْظِمُ
تَقْرِبَكَ وَأَسْتَكْبِرُ تَوْبِيحَكَ»^(۴)؛ اگر
فشارهای روزگار مرا به سخن گفتن با
تو واداشته [بدان که] من قدر و مقدار تو
را کوچک پنداشته و سرزنش تو را

۱- نهج البلاغه، فیض الاسلام، خطبه ۱۸۲.

۲- زیارت نامه حضرت زینب علیها السلام.

۳- بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۱۵۴ و ص ۱۱۵.

۴- همان، ص ۱۳۴.

شده با کسانی سخن می‌گوید که نه تنها با او هماهنگ نیستند بلکه حتی سنگ و خاکروبه بر سر او ریخته‌اند، با این حال صدای زینب بلند می‌شود که: «ای مردم کوفه! ای نیرنگ بازان و بی‌وفایان...» سخنان زینب علیها السلام چنان بود که وجدان خفته مردم را بیدار کرد و صدای گریه از زن و مرد و پیر و جوان و خردسال بلند شد.

خزیم اسدی می‌گوید: متوجه زینب شدم، به خدا سوگند زنی را که سر تا پا شرم و حیا باشد، سخنران‌تر از او ندیدم، گویی زینب از زبان علی علیه السلام سخن می‌گفت.

و همو می‌گوید: پیر مردی را در کنار خود دیدم که بر اثر گریه محاسنش غرق اشک شده بود و می‌گفت: پدر و مادرم فدای شما باد، پیرمردان شما بهترین پیرمردها، جوانان شما برترین جوانها و زنان شما نیکوترین زنان هستند. نسل شما بهترین نسلی است که نه خوار می‌گردد و نه شکست می‌پذیرد^(۱).

زینب علیها السلام به خوبی درس ولایت مداری را از مادر فراگرفت و آن را به زیبایی در کربلا به عرصه ظهور رساند.

بزرگ شمرده و توبیخ کردن تو را بزرگ می‌دانم.»

صدای زنده‌ی علی به صوت دلپذیر تو اسیر شام بودی و یزید شد اسیر تو

۱۰- فصاحت و بلاغت

هر خطیبی بخواهد فصیح و بلیغ سخن بگوید، علاوه بر استعداد ذاتی، باید بارها تمرین عملی انجام دهد، همچنین در حین خطابه لازم است از نظر روانی و جسمانی کاملاً آماده باشد تا بتواند خطبه‌ای فصیح و بلیغ ادا کند. و مستمعین باید با او هماهنگ باشند و الایارای سخن گفتن نخواهد داشت تا چه رسد به اینکه فصیح و بلیغ بگوید.

زینب بدون آن که دوره دیده و یا تمرین خطابه کرده باشد و در حال تشنگی، گرسنگی، خستگی اسارت، و از نظر روانی داغ دار، آواره و تحقیر

۱- همان، ج ۴۵، ص ۱۰۸ و ص ۱۱۰.